

رئیس پلیس راهور ناجا:

استفاده از صندلی کودک هنوز اجباری نیست



● **مهر:** رئیس پلیس راهور ناجا از منع شماره‌گذاری خودروهای فاقد ABS و دوکیسه هوا خبر داد و گفت: استفاده از صندلی کودک هنوز اجباری نشده اما در مرحله بررسی است. مجلس است. سردار تقی مهری با اشاره به آمار تلفات جان‌باختگان حوادث رانندگی گفت: در پنج‌ماهه سال ۹۷ حدود هفت‌هزار نفر در تصادفات رانندگی جان خود را از دست دادند. او ادامه داد: میزان تلفات رانندگی از سال ۸۴ که حدود ۲۸ هزار کشته در سال بود، به ۱۶ هزار کشته در پایان سال ۹۶ کاهش یافت که اگر با همان روند ادامه می‌یافت، باید شاهد جان‌باختن صد هزار نفر در سال می‌بودیم. او با بیان اینکه ۳۰ میلیون نفر راننده فعال و گواهینامه‌دار در کشور داریم، تاکید کرد: تعداد خودروها و موتورسیکلت‌ها از ۱۰میلیون در سال ۸۴ به بیش از ۳۰میلیون افزایش یافته و این نشان‌دهنده تأثیر ارتقای فرهنگی در کاهش تلفات رانندگی است. رئیس پلیس راهور ناجا مهم‌ترین علل تصادفات و تلفات جاده‌ای را سرعت و سبقت غیرمجاز دانست و گفت: بی‌توجهی به جلو و خستگی و خواب‌آلودگی در رتبه‌های بعدی در علل تصادفات رانندگی هستند و این نشان می‌دهد باید روی رفتار راننده تمرکز بیشتری داشته باشیم. سردار مهری به نقش جاده و خودرو در بروز تصادفات اشاره کرد و افزود: پنج هزار و ۲۰۰ نقطه حادثه‌خیز درون‌شهری و برون‌شهری داریم که باید اصلاح شوند. همچنین استاندارد خودروها باید افزایش یابد. امروز پلیس راهور خودروهای بدون ترمز ABS و بدون حداقل دو کیسه هوا را شماره‌گذاری نمی‌کند و برنامه داریم حداقل تعداد آنها در خودروها به چهار و شش کیسه هوا برسد. او درباره اجباری‌شدن استفاده از صندلی کودک در خودروها گفت: براساس بررسی‌های کارشناسی و توصیه‌های سازمان جهانی بهداشت، استفاده از صندلی کودک باید الزامی شود. درخواست این موضوع را ارائه داده‌ایم و در هیئت دولت به تصویب رسیده است. این مسئله باید به مجلس ارسال شود تا به تصویب نمایندگان هم برسد. رئیس پلیس راهور ناجا تاکید کرد: خودروسازان باید جای مناسبی برای صندلی کودک تعبیه کنند. استفاده از صندلی کودک هنوز اجباری نشده است، اما مردم از آن استفاده خوبی دارند. باید شاهد کاهش مرگ‌ومیر کودکان در تصادفات باشیم زیرا بیش از هشت درصد تلفات رانندگی کودکان زیر ۱۰ سال هستند. او در پاسخ به سؤال خبرنگار مهر درباره توقف تولید خودروهای نالیم در کشور گفت: پلیس براساس استانداردهای شورای عالی استاندارد عمل می‌کند و در این زمینه استانداردهای ایمنی، فنی و زیست‌محیطی را در نظر می‌گیرد. ارتقای استاندارد خودروها ضروری است و برنامه داریم امسال یا سال آینده این استانداردها ارتقا یابد.



علیرضا غریب‌دوست
دبیر انجمن حقوق‌شناسی

علت اصلی تنش میان رابطه دولت‌ها و مردم در ساختار اجتماعی ایران چیست؟ چرا جامعه ما همواره ملتهب و متاثر از وقایعی است که بیش از آنکه ریشه در بیرون مرزها داشته باشد، ناشی از عناصر درونی اجتماع است؟ ... اینها نمونه‌ای از پرسش‌هایی است که کمتر صاحب‌نظری توانایی ارائه پاسخ قطعی و جامع به آنها را داشته و غالباً در اظهارنظر احتیاط می‌کند. اما نگارنده که در طول چندین سال فعالیت اجتماعی و اغلب متمایل به سیاست و حکمرانی، در اثر توفیق هم‌چواری و همراهی بسیاری از صاحب‌نظران در عرصه حقوق، روابط بین‌الملل، مدیریت، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، فرصت آموختن را یافته است، در اندیشه چرایی وضعیت غالب ملتهب نظام اجتماعی ایران - منصرف از نوع و ساختار حکومت‌ها - در سودای شناسایی خمیرمایه اصلی تنش‌های دائمی میان دولت و مردم در طول قرن اخیر بوده است. شاید بررسی چهار مفهوم «من، منافع، حق و حکمرانی» و تدقیق در روابط میان این مفاهیم بنیادین، بتواند ما را به پاسخ سؤالاتی از این جنس نزدیک کند. بدیهی است آنچه به اجمال در این تحلیل عرض می‌شود، مصون از خطا نبوده و نمایانگر اندیشه و زاویه دید محدود نگارنده به موضوع است.

من: «من» ضمیر اشاره به خود است. نماد وجود آدمی و دلیل بقا و حیات نوع بشر همین واژه «من» است. اساس «من» مبتنی بر خوددوستی است و تجلی خوددوستی، حفظ خود و تلاش برای بقاست. «من» در نهفته‌ترین لایه‌های اندیشه و روان انسان وجود دارد و تا لحظه مرگ، آدمی را از چنگ این «من» رهایی نیست. «من» مبنای تشکیل جوامع است. «من»‌ها یک روز به این نتیجه رسیدند که برای بقای خویش و در راستای خوددوستی، «ما» شوند و «من»‌های همدیگر را حمایت کنند. «من»‌ها با گردهم‌آمدن، تصمیم گرفتند اجتماع را بیافرینند و این مرحله را شاید بتوان آغاز اجتماعی‌شدن نوع بشر از منظر روانی دانست. کمتر انسانی است که «من» در ضمیر او در راستای خوددوستی و حفاظت از خود تجلی و نمود نداشته باشد و دیگر دوستی را نیز تجربه کرده باشد. سخت است باور کنیم که عمیق‌ترین اینارگری‌ها و ازخودگذشتگی‌ها نیز آلوده به «من» بوده و منم‌م‌کردن‌های هرکدام از ما انسان‌ها در اعماق اندیشه و روانمان، بیدار می‌کند. «من» حاضر است دیگر‌دوستی کند، مشروط بر اینکه مورد تایید و تکریم قرار گیرد. مشروط بر اینکه به این اطمینان برسد که پس از مرگ «من» او جاودانه خواهد شد. بسیاری از خدمات نوع بشر به هم‌نوعانش در چنگال «من» اسیر بوده و نگارنده بر این باور است که مادامی که بشر زنده است، نمی‌تواند و نخواهد توانست از چنگ «من» رهایی یابد. نحوه شناسایی، مواجهه و برخورد با «من» در اندیشه‌های دینی و فرهنگی جوامع مختلف متفاوت است. در برخی اندیشه‌ها، «من» باید تکریم شود و عزت یابد و سیر تعالی را پیش گیرد و در برخی اندیشه‌های دینی و ایدئولوژیک، «من» باید سرکوب و ملامت شود تا مبادا از فرط خوددوستی و خودپرستی، به صورتی زیان‌بخش برای «اجتماع» تبدیل شده و به جامعه آسیب برساند. برجسته‌ترین شاخص‌ترین اندیشه‌ها درصدد دستیابی به راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای هم‌زیستی «ما» در اجتماع و کل جامعه بشری است. باین‌حال «من» نیروی محرکه اصلی تمام پیشرفت‌های بشر است؛ گرچه متهم است که در صورت افراط در خوددوستی و حراست از خود، ظرفیت آن را دارد که در قالب اشکال آسیب‌زننده‌ای مانند دیکتاتوری، فاشیسم، نژادپرستی، بنیادگرایی و

تئوریسم ظهور و بروز پیدا کند. در جمع‌بندی اندیشه‌ها و مطالعات صورت‌گرفته در این حوزه می‌توان گفت: «من» مفهومی بسیار عمیق‌تر از آن چیزی است که آدمی از روان خویش ادراک کرده است و ای بسا بزرگی و کوچکی «من»‌ها و قوت و ضعف آنها به عواملی مانند وراثت، تربیت، خانواده و اجتماعی که محل رشد «من»‌هاست، و نه منحصر - بر مفاهیمی چون قدرت، توانایی، عقل، هوش، اندیشه، شناخت، شعور، احساس، درک، گفت‌و، شخصیت و سلوک می‌داند. اینکه «من» مذموم است یا ممدوح، به ایدئولوژی غالب بر جوامع بازمی‌گردد. در جامعه ایرانی که متأثر از فرهنگ اسلامی - عرفانی است، «من» با مفهوم «نفس» تبیین شده و همواره آن را به‌عنوان عامل اصلی فلاکت نوع بشر سرزنش می‌کنند. تقسیم‌بندی «نفس» به نفس اماره، نفس لواحه، نفس ملهمه و نفس مطمئنه، سندی است بر این ادعا که سرکوب و نگوشت دائمی «من»، موجب تعالی انسان است و راه را برای عالی‌ترین مرحله روانی که «من» از نظر دین اسلام و فقه شیعه می‌تواند طی کند - یعنی نفس مطمئنه - نشان می‌دهد. این در حالی است که در دیگر اندیشه‌ها، ایدئولوژی‌ها و مذاهب، راه‌های دیگری برای این سیر و تعالی پیشنهاد شده است. شاید بتوان گفت وجه مشترک همه ادیان، مذاهب، ایدئولوژی‌ها و مکاتب، عدم انکار وجود «من» در روان آدمی است. پس به مفهوم «من» به‌عنوان گزاره مورد استناد نخست این تحلیل، استاد می‌شود.

منافع: منافع آن چیزی است که «من» نیازمند دستیابی به آن در راستای بقای خویش و همواره در جست‌وجوی آن است. «من» یک هدف اساسی و مخمشی‌کلی دارد که آن حفظ خود و خوددوستی است. در میان انواع اولیه انسان‌ها، نمونه‌هایی که از «من» ضعیف‌تری برخوردار بودند، در مسیر تکامل -فرگشت- از میان رفته و جای خود را به انسان‌هایی داده‌اند که «من» قدرتمندتری داشته‌اند. بشر اجتماعی شده، بیش از آنکه شهروندی را بیاموزد، برای تحصیل «منافع» و حفظ خود، از هر طریق اقدام می‌کرده و برایش چگونگی تحصیل منافع، واجد اهمیت نبوده است. رفته رفته، در اثر رقابت و نزاع میان «من»‌ها در چگونگی تحصیل حداکثری منافع، آن‌دسته از انسان‌هایی که به‌جای برخورداری از «قدرت جسمانی» از «خرد» و «اندیشه» فراتری نسبت به «من» قوی‌تر برخوردار بودند، کوشیدند تا با تشکیل اجتماعات خرد در درون جوامع انسانی، با اتحاد میان «من»‌های ضعیف در برابر «من»‌های قوی، انتظامی به فرآیند تحصیل منافع در جامعه خود بخشند. این‌گونه می‌توان تصور کرد که جوامع اولیه انسان‌ها، توسط زورمندان و ارباب قدرت جسمانی اداره می‌شده و در نتیجه اراده «من»‌های این دسته از انسان‌ها، مفاهیم اولیه مالکیت، قلمرو و حق تعریف می‌شده است، بنابراین ناروا نیست اگر تصور شود

من، منافع، حق، حکمرانی



که «من»‌های ضعیف، با توسل به روش‌های خردمندانه به بازتعریف مفاهیم تولیدشده نخستین پرداخته و برای بقا و حفظ خویش -با توسل به راهکارهای عاقلانه و نه زورمندانه- برنامه‌ریزی کرده‌اند. شاید بتوان ادعا کرد که اولین اندیشمندان، در این مرحله از تکوین نوع بشر پا به عرصه وجود گذارده‌اند. «منافع» را به صورت‌های متکثر اما با ماهیت همواره یکسانی می‌توان توصیف کرد. ماهیت همه‌گونه از منفعی که نوع بشر از آغاز تاکنون در راستای بقای «من» تحصیل می‌کرده را در دو دسته‌بندی منافع جسمانی و منافع روانی می‌توان تعریف و تقسیم‌بندی کرد. قلمرو، محل استقرار، مالکیت، قدرت، ثروت، شهرت، زیبایی و جذابیت، مورد احترام‌بودن، قبيله و طایفه داشتن، برخورداری از سلاح و نیروی تحت امر و مواردی از این‌دست را می‌توان در قالب‌بندی منافع روانی «من» شناسایی کرد و خوردن و آشامیدن، لذایت جسمانی و جنسی، استراحت و خواب آرام، آسایش جسمانی، سلامتی و تندرستی را نیز در زمره منافع جسمانی «من» می‌توان تقسیم‌بندی کرد. این تقسیم‌بندی فقط با تغییر مصادیق تنوع در اشکال، همین امروز نیز وجود دارد و نوع بشر برای حفظ خود و در راستای خوددوستی -که از ضروریات «من» است - همواره در صدد دستیابی به منافع جسمانی و روانی است. اگر این منفعت روانی در اثرا برای همنوع و اهدای عضو و کشته‌شدن در راه میهن برای «من» تعریف می‌شود، گاه در نزاع، مشاخره و دیگری فریبکی که هدف یک انسان دیگر -مثلاً در قالب قتل- برای «من» ظهور می‌یابد. اما نتیجه این منفعت ممکن است آن چیزی که «من» -برای بقای خویش و در راستای خوددوستی به آن اهتمام داشته، نباشد. چه اینکه در نمونه تمثیلی اخیر، وقتی پس از ارتکاب به قتل، به دست دیگر «من»‌ها اسیر شده و در واکنش به این رفتار مورد ملامت قرار گرفته وای بسا در معرض نابودی و فنا -اعدام- قرار می‌گیرد، از این حیث که در نتیجه این منفعت‌طلبی نادرست در معرض نابودی قرار گرفته و نه‌تنها منفعتی حاصل نشده، بلکه بقای «من» که حاصل منفعت‌طلبی متوجه او بوده نیز در معرض فناست، از اقدام خویش نادم می‌شود و به هر راهی برای رهایی از نابودی و مرگ متوسل می‌شود. بنابراین باید پذیریم که بشر همان‌گونه که نمی‌تواند فاقد «من» باشد، برای بقای «من» و در راستای خوددوستی و حفظ خود، همواره و در هر لحظه در اندیشه کسب منافع است.منفعت‌طلبی به هر طریقی، با واژگان توحش و خشونت‌طلبی قابل توصیف و انطباق است، اینکه به هر روشی هر انسانی به خواسته «من»‌های قوی، انتظامی به فرآیند تحصیل منافع منفعتی را که قابل حصول می‌دانسته، برای تحصیل آن اقدام می‌کرده، شاید بتوان مقدمه نزاع‌های بزرگ میان جوامع بشری و روز جنگ‌ها و کشتارها دانست. در نتیجه مقاومت دیگر «من»‌ها در برابر منفعت‌طلبی «من»، بشر آرام‌آرام آموخت که میان «من» و خواسته‌ها و نیازهای

آن و لزوم خود دوستی و حفاظت از خود تا خط قرمز فنا و نابودی، باید روش میانه‌ای به کار گیرد تا برای تحصیل منفعت، خود را نابود نکند؛ بنابراین تبیین و تعریف قید و حصر برای تحصیل منافع - به‌تدریج - میان نوع بشر متداول می‌شود. با این توصیف، نگارنده گزاره دوم این تحلیل را مفهوم «منافع» شناسایی می‌کند.

حق: «حق» مفهومی است که کمتر صاحب‌نظری توانسته به نحو جامع به تبیین و تعریف آن بپردازد و توصیفی جامع و مورد پذیرش عموم ارائه کند و همچنان در تعریف این مفهوم بنیادین میان اندیشمندان و صاحب‌نظران بحث و اختلاف‌نظر جدی وجود دارد. نگارنده که نه چنین توان و دانشی دارد و نه هرگز چنین ادعایی کرده است، «حق» را مفهومی فرض می‌کند که واحدی از واژه «حقوق» باشد و مایل است «حقوق» را به آنچه متداول تعاریف مورد پذیرش اکثر علمای این دانش از علوم انسانی است، مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر زندگی اجتماعی انسان تعریف کند و البته که

برای دیگر تعاریف نیز احترام قائل است. به فرض اینکه «حق» را عنصر واحدی از واژه «حقوق» فرض نموده و بدون ورود به مباحث عمیق فلسفه حق، صرفاً «حق» را قاعده و مقرره‌ای در راستای حکمرانی بر روابط میان انسان‌ها در اجتماع تصور کنیم و بپذیریم، در امتداد دو گزاره پیش‌گفته، «حقوق» را شاید بتوان مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر روابط میان «من»‌ها در اجتماع تعریف کرد، زیرا به نظر می‌رسد «من» به‌تنهایی و بدون حضور در اجتماع نتواند واجد «حق» شود، چراکه به هر آنچه می‌خواهد بدون رقیب نمی‌تواند دست یابد و برای حفظ «من» و در راستای خوددوستی و بقای خویش، مجاز به هر رفتاری خواهد بود و هیچ قفل سلیمی نمی‌تواند رفتارهای «من» خارج از اجتماع را تقبیح کند. با این وصف، «حق» را معیاری برای ایجاد تعادل میان تمایات «من» و نیازهای آن برای بقا و حفظ خود در برابر دیگر «من»‌ها می‌توان شناسایی کرد، اما نکته بنیادین اینجااست که «حق» می‌تواند در تعادل با «منافع» و در راستای تمامی تمایات «من» باشد و یا می‌تواند حداقل‌هایی را برای بقای «من» تعیین کند، بنابراین الزاما «حق» یا «منافع» برابر نیست، اما «من» برای تأمین منافع خود و با درک شرایط و مقتضیات دیگر «من»‌ها می‌تواند به فراتر یا فروتر از «حق» رضایت دهد. اگر در جایی منافع «من» -برای بقا به حدی بیش‌بینی نشده باشد که «من» به‌منظور حفظ خود ناگزیر به فراتر از حق تخصیص‌یافته به خود شود، دیگر «من»‌ها نیز با مقتضی و ضرورت تعدی و دست‌اندازی را به رسمیت می‌شناسند. به عکس، اگر دستیابی به «حق» تعریف و مقررشده برای «من» به‌نفع او نباشد و بقا و حفاظت از او را تأمین نکند، «من» می‌تواند از دستیابی به آن انصراف دهد و از آن چشم‌پوشی کند. ملاک تشخیص نیز «من» است و هر فرد به میزان توانایی، قدرت، دانش، آگاهی، خرد، درک، احساس و شعور خود - در مقاطع زمانی مختلف- به تخصیص منفعت خویش اقدام می‌کند و این تشخیص می‌تواند درست یا نادرست باشد و در آن مناقشه‌ای نیست. انسان‌ها به‌عنوان اسیران «من»‌های خویش، اختیار خواهند داشت تا میان «حق» و «منفعت» - در صورت عدم برابری - انتخاب کند. با این وصف، مفهوم «حقوق» به‌عنوان گزاره سوم تحلیل مورد استناد قرار می‌گیرد.

حکمرانی: اگر سه مفهوم پیش‌گفته را - با همان فروشی که عرض شد - بپذیریم، دولت، استیلا یک یا چند «من» به دیگر «من»‌های یک جامعه و تعیین میزان «حقوق» و «منافع» آنها قابل توصیف خواهد بود. به بیان دیگر، به دلایل موجه یا غیرموجه - که منصرف از بحث است - «من»‌ها اختیار اداره اجتماع خود را در ید یک یا چند «من» قرار می‌دهند تا حاکم میزان و حدود بهره‌مندی از «منافع» و «حقوق» را برای «من» تعریف و اجرا کند.

ادامه در صفحه ۱۳

سودوکو سخت ۲۲۱۸

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۲۲۱۸

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به چولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو سخت

۷	۸	۳	۴	۲	۱	۵	۹	۶
۶	۵	۱	۹	۳	۷	۱	۲	۴
۴	۱	۲	۹	۶	۷	۵	۸	۳
۸	۳	۱	۶	۷	۲	۴	۵	۹
۱	۶	۵	۳	۸	۴	۲	۱	۷
۲	۴	۷	۱	۵	۹	۳	۶	۸
۱	۷	۸	۲	۹	۳	۶	۴	۵
۵	۹	۴	۷	۱	۶	۸	۳	۲
۳	۲	۵	۶	۴	۸	۱	۷	۹

حل سودوکو ۲۲۱۲

۸	۲	۷	۳	۴	۹	۱	۵	۶
۶	۹	۴	۷	۵	۱	۳	۸	۲
۱	۵	۳	۶	۲	۸	۷	۴	۱
۴	۱	۸	۵	۶	۲	۹	۷	۳
۲	۶	۵	۹	۳	۷	۴	۱	۸
۷	۳	۹	۸	۱	۵	۴	۶	۲
۳	۸	۴	۱	۷	۵	۲	۹	۱
۹	۷	۱	۲	۸	۳	۶	۵	۴
۵	۴	۲	۱	۹	۶	۸	۳	۷

جدول ۳۲۲۱

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲											